

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: مونسای جی. آجین  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۱ اگست ۲۰۱۷

## تروتسکیسم ضدانقلاب در خفاء (۸) کمیته انگلیس و روسیه



مونسای جی. آجین



تروتسکی

### کمیته انگلو – روس

دیدگاه تروتسکیستی نسبت به مشکلات انقلاب جهانی، ناشی از رشد اشتباه اساسی تروتسکی درباره عدم امکان ایجاد سوسیالیسم در یک کشور است.

ما از بین مسائل بی‌شمار موجود، موارد زیر را برای نمونه انتخاب می‌کنیم:

مورد کمیته همبستگی انگلیس و روسیه؛

مورد انقلاب چین؛

مورد دوره سوم؛

مورد سوسیال فاشیسم؛ و

مورد موقعیت المان.

اوج عظمت تمام این سیاست‌های تروتسکیستی در شکل ساختار جدید حیرت آور انترناسیونالیسم چهارم دیده می‌شود.

\*\*\*

کمیته همبستگی انگلیس و روسیه به منظور ترویج اقدام مشترک کارگران علیه امپریالیسم، علیه جنگ، و برای اتحاد جهانی اتحادیه‌های کارگری، در سال ۱۹۲۶ سازماندهی شد. کمیته همبستگی انگلیس و روسیه شامل نمایندگان اتحادیه‌های کارگری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و اتحادیه‌های کارگری بریتانیا بود. کمیته انگلیس و روسیه جهت درک بهتر کارگران بریتانیا و جهان از موقعیت و اهداف کارگران شوروی، به منظور کمک به انقلابی کردن کارگران بریتانیایی در مبارزات خود علیه امپریالیسم و برای افزایش نفوذ شوراهای در میان کشورهای سرمایه‌داری تأسیس شد. چرا رهبران اتحادیه‌های کارگری بریتانیا با تشکیل چنین کمیته‌ای موافقت کردند؟ بدین جهت که کارگران در بریتانیای کبیر و کشورهای دیگر رادیکالیزه شده بودند؛ بدین دلیل که نفوذ انقلاب بلشویکی در میان کارگران همه کشورهای رشد کرده بود؛ برای این‌که اتحادیه‌های کارگری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کارگران کشورهای دیگر را جهت شرکت در قدرت دولتی جمهوری کارگران تحت تأثیر قرار داده بود، و از این نظر که کمونیست‌ها در همه جا از ضرورت اتحاد توده‌های کارگری در عرصه اقتصادی حمایت می‌کردند.

چرا رهبران اتحادیه‌های کارگری شوروی در وارد شدن به چنین کمیته‌ای موافقت نمودند؟ آن‌ها حتی شخصیت رهبران «چپ» گرای اتحادیه‌های کارگری بریتانیا را کاملاً خوب می‌شناختند: پورسل، کوک و دیگران. اما آن‌ها در این کمیته آغاز تماس با گسترده‌ترین توده‌های اروپا را می‌دیدند. این کمیته پژوهاک صدای بلشویسم در محدوده وسیع‌تر در میان کارگران انگلیس و دیگر کشورهای بود. از همه مهم‌تر، آن‌ها آنرا سلاحی برای دفاع از اتحاد جماهیر شوروی برای زمانی می‌دیدند که امپریالیست‌ها طرح‌های خود را جهت حمله به شوراهای کامل کرده باشند. سنت کمیته‌های اقدام پرولتری علیه مداخلات بریتانیا در اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۰ هنوز تازه بود.

از طریق کمیته همبستگی انگلیس و روسیه، مسأله جبهه متحد مبارزه علیه سرمایه‌داری و جنگ به توده‌های گسترده زحمت‌کشان کشورهای سرمایه‌داری ارائه شده بود. نمایندگان کارگران غیرحزبی در اتحاد جماهیر شوروی یک اتفاق معمولی بود. پورسل و رفقاییش اجازه داشتند که به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سفر کنند و پذیرائی دوستانه‌ای از آن‌ها می‌شد. در مقابل، نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی این فرصت را داشتند که در حضور توده‌های وسیع کارگران بریتانیایی باشند و دیدگاه‌های انقلابی خود را ارائه دهند.

**اپوزسیون «مخالفت می‌کرد».**

در جزوه‌ای که توسط نظریه پرداز تروتسکیسم در امریکا نوشته شده، مکس شاتمن، ادعا کرده است که کمیته همبستگی انگلیس و روسیه «یک بلوک سیاسی بین اصلاح‌طلبان انگلیس و بوروکراسی حزب روسیه است» (ده سال، ص. ۳۹). درواقع این کمیته یک بلوک نبود؛ حتی یک ائتلاف هم نبود؛ این کمیته‌ای جهت تبلیغ همبستگی اتحادیه‌های کارگری بود. این برای اتحاد جماهیر شوروی کمیته‌ای بود که در موقعیت مناسب وقتی که زمانش برسد، رهبران «چپ» را افشاء کند. پس از شکست اعتصاب عمومی بریتانیای کبیر در ماه مه ۱۹۲۶ این اتفاق افتاد. آن موقع رهبران بریتانیایی

کمیته انگلیس و روسیه به راست چرخیدند؛ آن‌ها نزد کارگران شروع به پنهان کردن وابستگی خود در کمیته همبستگی کردند؛ در واقع آن‌ها تلاش نمودند تا از تعهدات موافقت شده جهت ورود به این کمیته طفره بروند. چرخش مذکور به اتحادیه های کارگری اتحاد جماهیر شوروی این امکان را داد که در برابر کارگران بریتانیایی ظاهر شوند و نقش خیانتکارانه رهبران «چپ» اتحادیه را افشاء کنند. و این درست در لحظه ای بود که تروتسکیست‌ها سروصدای زیادی به راه انداخته بودند و خواهان انشعاب در این کمیته شده بودند.

پیرو مذکور تروتسکی در امریکا، یک تئوری اختراع نمود. وی بر «این درک غلط» تأکید نمود که رهبرانی مانند پورسل، کوک، هیکس، سولیز و سیتزن می‌توانند به «سازماندهندگان انقلابی طبقه کارگر جهان علیه جنگ امپریالیستی و برای دفاع از جمهوری شوروی» تبدیل گردند.

آه از این نظریه پرداز ژرف اندیش! آه از این متخصص فنون نفوذ! کمونیست‌ها باید تا سال ۱۹۳۳ منتظر می‌ماندند تا این دانش را تمام و کمال یاد بگیرند که رهبران رفرمیست (اصلاح‌طلب)، رهبران رفرمیست باقی می‌مانند. آقای شاتمن براحته فراموش می‌کند زمانی که جبهه متحد ساخته شد، رهبر رفرمیست مجبور است به آن بپیوندد، این رهبر نیست بلکه این توده های تحت نفوذ او هستند که برنده دفاع از اتحاد جماهیر شوروی و دیگر وظایف انقلابی اند.

آقای شاتمن حمله همه جانبه مرگبار خود را با این گفته ثابت می‌کند: او در کمیته انگلیس و روسیه دست «ستالینیست‌ها» را می‌بیند که دیوانه وار به دنبال «ضد دخالت‌گران» و کسانی هستند که تلاش می‌کنند «تا احزاب کمونیست را به پاسداران مرزی شوروی تبدیل سازند». (همانجا، ص. ۳۹).

آقای شاتمن نمی‌خواهد که احزاب کمونیست پاسداران مرزی اتحاد جماهیر شوروی بشوند. چرا او بخواهد وقتی که تروتسکیست‌ها فکر نمی‌کنند که می‌توان سوسیالیسم را در اتحاد جماهیر شوروی ساخت؟ او این را کاملاً به صراحت می‌گوید: «درک ستالینیستی از نقش و طبیعت کمیته انگلیس و روسیه مستقیماً از تئوری سوسیالیسم در یک کشور سرچشمه می‌گیرد. برای اساس، روسیه می‌تواند اقتصاد سوسیالیستی منزوی شده ملی خود را بسازد، اگر بتواند تنها مداخله نظامی خارجی را دفع کند». از نظر تروتسکیست‌ها نباید این‌طور باشد. بنابراین، برای آن‌ها اصلی ترین وظیفه پرولتاریای بین المللی دفع مداخلات نظامی خارجی نیست.

در ارتباط با کمیته انگلیس و روسیه، یک چیز دیگر باید ذکر شود. درست زمانی که وضعیت سخت تر شد، هنگامی که خیانت به اعتصاب عمومی بریتانیا موانع بیش‌تری در راه رویکرد شوروی به کارگران بریتانیایی ایجاد کرد، زمانی که ضرورت داشت تا صبر بیش‌تر و تاکتیک‌های منعطف تری در رابطه با این کارگران به کار گرفت، اپوزسیون از حل این مشکلات شانه خالی کرد. خرده بورژوازی در ماهیت واقعی خود به وحشت (پانیک) افتاد. تجلی این پانیک تقاضا برای پایان دادن به اعتصاب بود. از نظر خرده بورژوازی این یک خواست «فوق انقلابی» بود، اما در واقع این اعتراف به شکست بود.

### درباره نویسنده:

آلجین، مونیسای جی. (۱۸۷۸-۱۹۳۹)، در سال ۱۸۷۸ در شهرک یهودی نشین (شتلت) نزدیک کیف، اکرین به دنیا آمد. پس از حضور در مدرسه سنتی یهودیان (چدر) وارد دانشگاه کیف شد، جایی که کار خود را به عنوان یک انقلابی آغاز کرد. در سال ۱۹۰۱، به عنوان رئیس کمیته مرکزی دانشجویان انتخاب شد، در حالی که هم‌چنین عضو گروه انقلابی فریهیت بود. در اپریل سال ۱۹۰۳ رژیم تزاری به دلیل نقش او در تشکیل گروه‌های دفاع از خود یهودی دستور دستگیری او را صادر کرد، که در آن‌زمان مجبور به مهاجرت به وینا، پولند شد.

در ویلنا او عضو بوند یهودی بود، و برای فعالیت‌هایش دستگیر شد. در طول انقلاب سال ۱۹۰۵ در وین بود، و تمام اعلامیه‌های صادر شده توسط بوند را در آن دوره تألیف و تصنیف می‌کرد.

از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۰ در هیلدربرگ تحصیل کرد، و در المان تا زمانی بود که جنگ جهانی اول شروع شد. او قادر به بازگشت به روسیه نبود، و در سال ۱۹۱۵، به امریکا مهاجرت کرد، جایی که بلافاصله به روزنامه روزانه سوسیالیست «به پیش» کمک نمود.

در سال ۱۹۱۷ نویسنده اولین کتاب درباره انقلاب روسیه (روح انقلاب روسیه) بود و زمانی که فدراسیون سوسیالیستی یهودیان در سال ۱۹۲۱ انشعاب کرد، او رابطه اش را با «به پیش» قطع کرد و یکی از اعضای بنیان‌گذار حزب کارگران شد. او یکی از پیش‌تازان سازمان‌دهی در بخش یهودیان حزب، و بنیان‌گذار روزنامه کمونیست روزانه ئیدیش «صبح فریهیت»، و تا هنگام مرگ ویرایش‌گر آن بود. او همچنین برای سال‌ها یکی از اعضای کمیته ملی حزب کمونیست امریکا بود.

گذشته از مقالات بی‌شمار روزنامه و سرمقالات، او کتاب‌های بسیاری نوشت، و مسؤول ترجمه چندین جلد کتاب از مجموعه آثار لنین به انگلیسی، همچنین مترجم کتاب جنگ دهقانی انگلس در المان، ده روزی که دنیا را لرزان از جان رید، و آوای وحش از جک لندن به ئیدیش است. او در ۲۲ نومبر، ۱۹۳۹ درگذشت. دهه‌ها پس از مرگش، و تا زمانی که روزنامه در سال ۱۹۸۸ بسته شد، عکس او در سرصفحه «فریهیت» چاپ می‌شد.

<https://www.marxists.org/glossary/people/o/l.htm#olgin-moissaye>

برگرداننده شده از:

**Moissaye J. Olgin**

**Trotskyism**

**Counter-Revolution in Disguise**

**8. The Anglo-Russian Committee**

<https://www.marxists.org/archive/olgin/1935/trotskyism/09.htm>

<https://www.marxists.org/archive/olgin/1935/trotskyism/index.htm>

\*\*\*